

روایت شاگرد از استاد

داشته باشد، می‌تواند به یک پرتره هنری شود؛ زیرا وقتی زیست توبه هنرت تبدیل می‌شود و بدنت که تو با آن جهان را درک می‌کنی، به آن هنر بدل می‌شود، به راحتی می‌تواند به عنوان مدخلی برای ورود به یک پرتره باشد ولی مسائل مختلفی سبب می‌شود که کمتر رغبتی برای انجام این کار وجود داشته باشد.

این مدرس تئاتر از زندگی پر فراز و نشیب تعدادی از هنرمندان این رشته نیز صحبت می‌کند: تصور کنید پرتره کسانی مانند عباس نعلبندیان، یا استاد محمد یا سارنگ یا نوشین و... چگونه خواهد بود! تمام اینها زندگی عجیب و غریب و پر فراز و نشیب و زیست‌های بسیار دراماتیکی داشته‌اند و می‌توان درباره آنان نوشت و کار کرد. حتی زندگی کسی مانند علی نصیریان به عنوان یک بازیگر ابر بر جسته در تاریخ تئاتر ایران که یکی از ستون‌های محکم نمایشنامه‌نویسی و بازیگری در تئاتر کشور است.

او درباره محدودیت هنرمندان برای اجرای آثار پرتره توضیح می‌دهد: با وجود جذابیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، ممکن است مدخل‌های ورود به سبک‌های جاری هماهنگ نباشد. بنابراین هنرمند ناچار است از بسیاری موارد عبور کند یا به آن نپردارد. این مدخل ورود و زاویه‌ای که باید از آن به آرتیست نگاه کرد، مهم‌ترین امر ساخت پرتره است. کما اینکه اگر پرتره‌هایی را که در دنیا ساخته شده، نگاه کنید، متوجه می‌شوید که عموماً زوایای دید سازنده، نقاط مهجور و تنش‌زا را مدنظر قرار می‌دهد. چون قرار نیست ویکی پدیا یا یک بیوگرافی شخصی یک خطی بنویسند.

شمس خاطر نشان می‌کند: از سوی دیگر نباید فراموش کنیم امر دراماتیک و امر اجرایی که در آن پدیده‌ها در ساخت پرتره ممکن است به واسطه تنش‌ها بودن زیست آدم‌ها و باید و نبایدهای حاکم، دستخوش حذف شود و لاجرم شما از آن بگذرید. بنابراین وقتی در این فضا با تنگنا روبه‌رو هستید، یک بیوگرافی کلی و خطی وی‌آسیب‌وی‌حاشیه دست‌تان را می‌گیرد و این چیزی نیست که به واسطه آن بخواهیم یک اثر هنری خلق کنیم.

او در ادامه چند نمونه از فراز و فرودهای زندگی محمود استاد محمد را مثال می‌زند و می‌گوید: اگر بخواهید در فضای مستند کار کنید، به هیچ عنوان به آرشیه‌های صدا و سیما و گزارش‌هایی که آن زمان از نمایش «شهر قصه» و پشت صحنه آن ساخته شده، دسترسی ندارید. یعنی با محدودیتی مواجه هستید که مدام سعی دارد به شما یادآوری کند که گذشته را باید فراموش کرد. اتفاقاً یکی از مزایای پرتره این است که آرتیست با چه نگاهی و در چه زوایایی با جهان روبه‌رو می‌شده و این چیزی نیست که مطلوب مدیران باشد.

محمود استاد محمد با وجود عمر نه چندان بلند خود اما نمایشنامه‌هایی همچون «آنسید کاظم»، «شب بیست و یکم»، «قصص القصر»، «آنها مامور اعدام خود هستند»، «خونیان و خوزیان»، «سیری محتوم»، «چهل پله تامرگ»، «عکس یادگاری»، «سپنج رنج و شکنج»، «دیوان تئاتر»، «تهرن» و... را در تئاتر ایران از خود ثبت کرده است. اخیراً بازی ایستا



دور و بر محمود استاد محمد پر از جوان بود. گرچه انگار خود او از دل تاریخ آمده بود. سلیقه هنری این جوان اتفاقاً به سلیقه تئاتری استاد محمد کمترین شباهتی نداشت اما دوستی‌شان معمولاً فراتر از اینها بود.

علی شمس یکی از همان جوانانی است که با استاد محمد رابطه نزدیکی داشته و پیش از این هم با اجرای نمایش «مخاطب خاص» درباره بخشی از زندگی حمید سمندریان توجه خود را به زندگی هنرمندان، نشان داده است.

او همزمان با دهمین سالروز درگذشت استاد محمد و در پاسخ به این پرسش که چرا نمایشی را درباره این هنرمند نساخته است، به می‌گوید: درباره نمایش «مخاطب خاص»، یک ایده اجرایی وجود داشت که رستوران بود. هنرمندی مانند حمید سمندریان که اجازه کار در تئاتر نداشت به ناچار رستورانی راه‌اندازی می‌کند. در نمایش «مخاطب خاص» وقتی درباره سمندریان صحبت کردم، قدر مطلق درباره رکن‌الدین خسرووی، بهرام بیضایی، محمود استاد محمد و... هم حرف زده‌ام. درباره افرادی که سهم ارزشمندی در تئاتر و در گردن‌نسل ما که بعد از آنان به دنیا آمده‌ایم، دارند.

این نمایشنامه‌نویس با اشاره به تفاوت تئاتری محمود استاد محمد و حمید سمندریان اضافه می‌کند: قدر مسلم اینکه سلیقه و ذائقه تئاتر یکال سمندریان به سلیقه تئاتری محمود استاد محمد کمترین شباهتی نداشت ولی آیا می‌توان گفت آثار کدام یک از این دو تئاتر است یا اصلاً می‌توان تئاترهای این دو هنرمند را با یکدیگر مقایسه کرد؟ هر یک میخ از آنان میخ سترگ دانشی بودند که خود را بر دیوار سفید تاریخ تئاتر این کشور کوبیده‌اند. بنابراین حمید سمندریان برای من استعاره‌ای از نخبگان نادیده نگاشته شده این کشور بود که در «مخاطب خاص» به آنان پرداختیم.

شمس که دوستی نزدیکی با استاد محمد داشته است، در ادامه از ویژگی‌های اخلاقی او چنین می‌گوید: مردی بود آمده از دل توده و از محله‌های پایین شهر. آدمی با غرور، بیگانه، با تفرعن، بیگانه، آدمی دوستدار کمک کردن به هم‌نوع خود یعنی تمام آنچه از صفات نیک انسانی می‌توان بر شمرد، در محمود استاد محمد در مجموع می‌دیدم. یک انسان سلیم‌النفس خاکی وارسته با سواد زبان بلد درجه یک که کیفیت هنرش را تاریخ تئاتر مشخص می‌کند. ولی برای همه اینها تئاتری بودن او برای من نه در آثارش بلکه در خود او تجلی پیدامی‌کند.

شمس در توضیح بیشتر این نکته می‌افزاید: محمود استاد محمد نه به واسطه تئاترهایی که اجرا کرد یا بازی‌هایش یا نمایشنامه‌هایی که نوشت بلکه به واسطه زیستش، تئاتری بود. خود او تئاتر بود. آدمی بود که جهان را از دریچه تئاتر و هنر اجرا می‌نگریست و این بود که محمود استاد محمد را برای نسل من نسبت به پیشگامانی که پیش‌تر از ما قدم به صحنه گذاشتند، متمایز می‌کرد.

او در پاسخ به این پرسش که چرا در بزرگداشت شخصیت‌های کشورمان کمتر به سمت تئاتر پرتره می‌رویم در حالی که این گونه اشخاص می‌توانند به‌لایه‌ای باشند برای واکاوی بخشی از تاریخ، چنین می‌گوید: قطعاً هر آدم بزرگی حتی کسی که یک زندگی بدون هیجان



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
معاون سردبیر: نغمه دانش آشتیانی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله منعی کوچه خجسته منش بلاک ۵
تلفن: ۶۰۲۲۲۲۲۲۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

طلوع تاغروب



محمود استاد محمد نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگر تئاتر ایرانی بود. این کارگردان از شاگردان عباس نعلبندیان نمایشنامه‌نویس پیشرو ایرانی بود. استاد محمد در سال ۱۳۴۷ با صدایشگی

در تئاتر «شهر قصه» شناخته و مشهور شد. او همچنین به عنوان بازیگر و فیلمنامه‌نویس در حوزه سینما و تلویزیون نیز فعالیت کرد. نمایشنامه «آخرین بازی» این نویسنده در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات آسا و «دیوان تئاتر» از سوی انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۰ منتشر شد که نمایشنامه «دیوان تئاتر» توسط روزبه حسینی روی صحنه رفت. «گزیده ادبیات معاصر: محمد استاد محمد: مجموعه دو نمایشنامه دقیانوس امپراتور سرزمین افسوس، گل یاس» را انتشارات کتاب نیستان در سال ۱۳۸۰ راهی بازار کرد که این نمایشنامه شامل دو نمایشنامه دیگر از همین نویسنده به نام‌های «شب بیست و یکم» و «سپنج رنج و شکنج» است. «لاله زارون زار زارون: مجموعه نمایشنامه» توسط انتشارات ققنوس سال ۱۳۸۳ و چاپ دوم آن سال ۱۳۹۰ منتشر شد و نمایشنامه‌های «چاچراغ»، «سرمه» و «سید دلبر» را دربر دارد. «ای کاش که جای آرمدین بودی: مجموعه نمایشنامه» از انتشارات قطره سال ۱۳۹۰ منتشر شد که این مجموعه شامل نمایشنامه‌های «آنسید کاظم»، «شب بیست و یکم»، «دقیانوس امپراتور سرزمین افسوس»، «خونیان و خوزیان»، «گل یاس»، «آخرین بازی»، «عکس خانوادگی»، «دیوان تئاتر»، «سپنج رنج و شکنج» و «تهرن» است. محمود استاد محمد پس از مدت‌ها مبارزه با بیماری، سرانجام به دلیل سرطان کبد، چشم‌از جهان فروست.

خرید بسته
پرداخت قبض

هواداری با **اوانو** بهتره!

www.ewano.app



کارت به کارت
خرید شارژ